

## ژرژ سورا

(۱۸۵۹-۱۸۹۱) Geroges Seurat

### وشیوه امپرسیونیسم نو

ژرژ سورا ، نقاش گرانقدر فرانسوی ، بیش از سی و دو سال نزیست. نخستین اثر مهم خود را که تصویر دوست وی امان ژان Aman - Jean بود در بیست و چهار سالگی ، یعنی تنها هفت سال پیش از مرگش کشید . اما با وجود کوتاهی عمر و محدود بودن آثارش ، سورا در جهان نقاشی اثری عمیق بجا گذاشت. در حقیقت سورا از بانیان و پیشوایان مکتب های نوین نقاشی ، و از کسانی است که سیر این هنر را بنیروی ابتکار خویش هدایت کرده است .

در ۱۸۸۴ بود که سورا و جمعی دیگری از نقاشان که از روش «نمایشگاه» رسمی فرانسه ناخشنود بودند و تاب تحمل هیئت داوران آنرا نداشتند ، فراهم آمدند و «گروه نقاشان مستقل» (۱) را بنیاد گذاشتند .

ده سال پیش از آن گروه دیگری از نقاشان در کافه گربوا فراهم آمدند و نمایشگاه نقاشان امپرسیونیست را تأسیس کردند . نخست با خصومت و طعنه وریشخند رو برو شدند ، اما بتدریج هنر دوستان باآنها خو گرفتند و این نقاشان شهرت یافتند .

در سالی که «گروه نقاشان مستقل» نخستین نمایشگاه آثار خود را ترتیب دادند (ماه مه ۱۸۸۴) سه شیوه عمده در نقاشی وجود داشت :

نخست محافظه کاران و پیروان آکادمی بودند که از شیوه نقاشان قدیم ، خاصه شیوه انگر (۱) و داوید (۲) پیروی می کردند . مدیران نمایشگاه رسمی فرانسه ، که باختصار «سالن» خوانده می شد ، از این نوع بودند . هر سال یکبار وزارت هنرهای زیبای فرانسه نمایشگاهی از آثاری که هیئت داوران نمایشگاه تصویب کرده بودند ترتیب می داد . پیداست که آثار نقاشان مبتکر و حدشکن در این نمایشگاه راه نمی یافت .

دیگر نقاشان رئالیست بودند که بمخالفت با شیوه نقاشان رمانتیک برخاسته بودند ، و سردی واقع بینی را بر شور خیال پروری ترجیح میدادند .

۱- Le groupe des independants

۲- Ingres ۳- David

گوربه و پس از وی مانده در میان این جمیع سمت پیشوائی داشتند .  
سوم نقاشان امپرسیونیست بودند، که هر چند دنباله کار نقاشان رئالیست  
را گرفتند، در روش کار با آنان تفاوت کلی داشتند. آثار این نقاشان که بیکروز  
موجب شگفتی و اعتراض عمومی شده بود، پس از چندی خود مبنای عادت می شده  
و بسیاری معتقد شدند که شیوه نو آوردن باین نقاشان پایان گرفته، و آثار تازه  
و نامانوس را بدیده بدگمانی می نگریستند، تا آنجا که، گوگن، نقاش  
نوآفرین این زمان، گفت که بزرگترین مانع رواج آثار وی آفرین گویان آثار  
امپرسیونیستها هستند .

**مونه و رنوار و سیسلی و دسا و پیسارو** در این ایام هواخواهان  
بسیار داشتند؛ و عموماً آثار نقاشان پیشرو و صاحب ابتکار می شدند .  
اما این سالها در فرانسه سالهای ابداع و آفرینش بود . هنوز شیوه ای  
منکران را موجب نساخته، شیوه تازه تری ظاهر میشد . نقاشان امپرسیونیست  
هنوز همه نیروی ابتکار خویش را صرف نکرده بودند که **سزان** و **گوگن** و  
**وان گوگ** و **سورا** و **روسو** بر امسای تازه افتادند و اصول تازه آوردند .  
همین نوخواهی و تازه اندیشی بود که جمعی از نقاشان را در سال ۱۸۸۴  
پسکیل «گروه نقاشان مستقل» واداشت. در نمایشگاهی که اینان ترتیب دادند  
سورا که ۲۵ سال داشت و **سینیاک** (۱) که ۲۱ ساله بود وادموند کراس (۲)  
شرکت جستند . ایشان یکدیگر را تا آن زمان نمی شناختند . نمایشگاه رواجی  
نیافت، اما نقاشانی که در آن با یکدیگر آشنائی یافتند فراهم آمدند و برای  
رهائی از رای هیئت داوران «سالن» انجمنی بنام «انجمن هنرمندان مستقل» (۳)  
تأسیس کردند .

این انجمن که تا چنگ بین الملل اول ادامه یافت در سیر نقاشی فرانسه  
و تشویق ابتکار تأثیر فراوان کرد . اساس کار انجمن اینست بود که هر کس  
می توانست با پرداختن وجه مختصری عضو انجمن بشود و در نمایشگاهی که انجمن  
ترتیب میداد شرکت کند . «هیئت داورانی» در کار نبود .

نخستین نمایشگاه انجمن را چهارصد و دو نفر از نقاشان استقبال کردند  
(دسامبر ۱۸۸۴). سورا و سینیاک و ردن و ادموند کراس و دو بوایه (۴) و  
والتن (۵) در این میان بودند .  
نمایشگاه چنانکه انتظار می رفت مورد اعتراض وطنه عمومی قرار گرفت .

۱- P. Signac ۲- Edmonde Cross

۳- Societé des Artistes Independants ۴- Dubois-Pillet

۵- E. Valton

اما در این میان هنرشناس جوان فننون (۱) هدف سورا را اهمیت آثار او را دریافت .

سورایک سال پیش اثر مهم خود، تصویر آمان ژان را به «سالن» فرستاده بود. هنوز نام وی را کسی نمی دانست. با اینهمه اثر وی نظریکی از هنرشناسان معاصری رژه مارکس (۱) را جلب کرد و باره آن در مجله «پیشرفت هنری» (۲)



سورا

«بزن بکوب»

چنین نوشت : « این تصویر چنان دو من گرفت که در جستجوی آثار دیگری از مسو سورا در سایر قسمتها بر آمدم. جستجویم بیهوده بود، ولی مسلم است اثری باین درجه از شایستگی نمیتواند کار نقاشی عادی باشد» .

سال بعد تابو «آب تنی» (۴) سورا را «سالن» رد کرد . اما فننون در نمایشگاه «گروه مستقل» چنان شیفته اثر سورا شد که برای دفاع از اصول این شیوه تازه و کمک به سورا بنام «مجله مستقل» (۵) دست زد، و تا سورا زنده بود فننون از هواداران استوار او بود و مقالاتش در باره شیوه نقاشان «دیویزیونیست» (۶) ، که سورا و دوستانش آن خوانده میشدند،

۱-Felix Fénéon ۲-Roger Marx ۳-Le progres artistique  
 ۴-Baignade ۵- Revue Independante ۶- Divisionisme

برواج آثار آنان کمک بسیار کرد .

در همین سال آلفونس دوده کتاب «سافو» (۱) را انتشار داد و زولا کتاب «نشاط زندگی» (۲) را منتشر کرد . مودیلیانی (۳) نقاش ایتالیایی در همین سال متولد شد . رفواری و مونه نقاشان امپرسیونیست بایکدیگر به بندر ژن در ایتالیا رفتند . نویسنده و نقاش سوئدی استریندبرگ (۴) کتاب «زناشومیها» را انتشار داد و اتهام آنکه آثارش «خلاف اخلاق و مذهب» است در استکهلم مورد تعقیب قرار گرفت . مارسل پروست (۵) نویسنده کسرافتور فرانسوی سیزده سال داشت .

سورا در خانواده‌ای متوسط الحال متولد شد . پدرش نقاشیهای مذهبی جمع میکرد . در هفده سالگی بآموختن نقاشی شروع کرد و دو سال بعد با دوستش آمان ژان بدروسه هنرهای زیبا رفت .

معلمش در این مدرسه چنان از شیوه های نویزار بود که برای دفاع از شیوه کهن جایزه‌ای ترتیب داده بود . سورا در اینجا با آثار انگر (۶) ، نقاش کلاسیک قرن نوزدهم ، ارادت یافت . کسی گمان نداشت سورا یکروز اصول نقاشی کلاسیک را در جامه نویزار هنر بیاورد . در توجه بصحنه های ترکیبی نیز شاید سورا مدیون تأثیر انگر است .

ضمناً سورا بطلالعه آثار ادبی معاصر مخصوصاً آثار برادران دوگنتکور (۷) شروع کرد ، و هم بطلالعه آثار علمی در پایه رنگ و نور و خط پرداخت .

پیداست سورا ذهن جوینده داشت ، و پیروی از شیوه نقاشان زمان خاطر پژوهشگر او را خرسند نمی کرد . در این جستجو نخست متوجه شیوه رنگ آمیزی دلاکروا نقاش بزرگ قرن نوزدهم شد و بتحلیل آثار او پرداخت . دلاکروا از نخستین کسانی بود که در رنگ آمیزی دقت علمی کرد و تأثیر متقابل رنگها را در یکدیگر دریافت .

نخستین پرده مهم سورا تصویر آمان ژان بود . از این تصویر میتوان دریافت که سورا نقاشی دقیق و بردبار و برکسار و در نقاشی پای بند نظم و «فرم» است ، و ابهام و بی شکلی آثار امپرسیونیستها را نمی پسندد ، هرچند در رنگ آمیزی روش آنان را بر روش نقاشان گذشته ترجیح میدهد .

اگر تصویر آمان ژان را بانصورت کلاسیکی که سزان از گوستاو ژرفروا (۸) منتقد معاصرش ساخته است بسنجیم آشکار میشود که این دو نقاش

۱- Sapho ۲- La joie de vivre ۳- Modigliani

۴- Strindberg ۵- M. Proust ۶- Ingers

۷- de Gencourts ۸- Gustave Geffoy

با آنکه یکدیگر را نمی شناختند هر دو در پی يك معصود بودند: هر دو میخواستند تا اصالت طرح و تناسب خطوط و تعادل اجزاء تابلوها که در نتیجه توجه بیش از حد نقاشان امپرسیونیست به «رنگ» و «نور» از تابلوها دور شد بود، دوباره بیرده نقاشی بازگردانند. در حقیقت در پی آن بودند که اصول تابلوهای «کلاسیک» را که از زمان جیوتو (۱) تا انگور نقاشان کم و بیش مراعات کرده بودند و با نهضت رمانتیک و روش نقاشان امپرسیونیست از اعتبار افتاده بود دو باره زنده کنند. توجه این دو نقاش بزرگ باز بسوی اجسام سه بعدی کشیده شد، و دریافتن مناسبت میان حجمها و آوردن آنها بروی پرده و برقرار ساختن روابط متعادلی میان اشکال و جبهه همتایشان قرار گرفت.

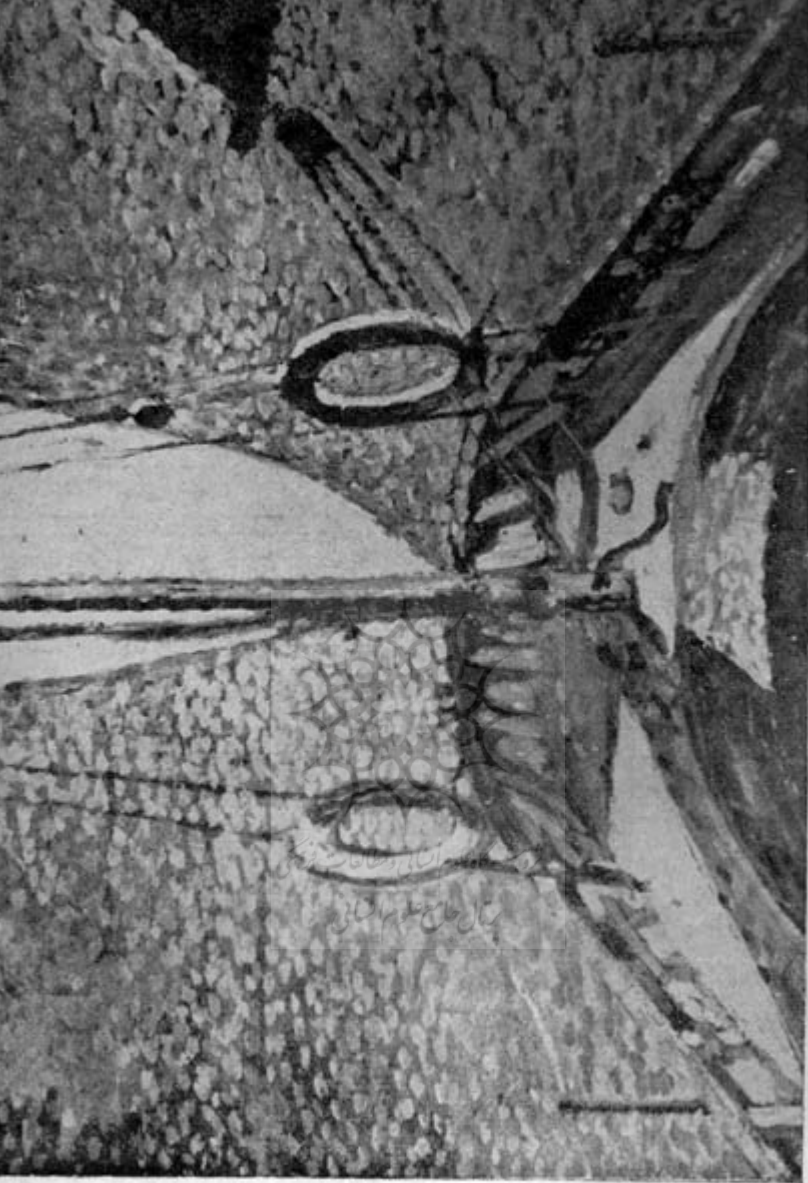
تصویر آمان ژان مانند آنارسزان، دوره کلاسیک تازه ای را در نقاشی نوید میداد. در سال ۱۸۸۴ که نخستین نمایشگاه «انجمن نقاشان مستقل» تشکیل شد این نوید آشکار نبود، و شیوه های دیگر هنوز تازگی و نو ظهوری خود را از دست نداده بودند.

سال بعد نقاشان گروه مستقل که عموماً بفرام ساختن تابلوهای تازه مشغول بودند نمایشگاهی ترتیب ندادند. در همین سال پیسارو که پنجاه و پنج سال داشت و همیشه آماده آموختن بود بکارگاه سورا آمد. وصف شیوه نورا شنیده بود و حال آمده بود تا بداند اصول این شیوه چیست. سورا اصول علمی کار خود را برای وی بیان کرده و توضیح داد که با بکار بردن تکه های کوچکی از رنگهای خالص و بهاوی هم قرار دادن آنها میتوان رنگ ترکیبی مطلوب را در نظر آورد. باین ترتیب، رنگهای روی تابلو بهیچوجه مخلوط نمیشوند و روی هم نمیخورند، ولی چون از دور با آنها نظر کنیم «نتیجه» آنها بیچشم میآید. پیسارو فریفته این شیوه شد و آنرا پذیرفت و از آنسکه جوان ۲۶ ساله ای بکشف چنین شیوه ای توفیق یافته است حیرت کرد.

در این سال و آن گوی، نقاش هلندی، که تازه بکشیدن تابلو دست زده بود پرده «دهقان هلندی» را ترسیم کرد. و رلن، شاعر سمبولیست فرانسه، کتاب *Jadis et naguère* را منتشر نمود، و اندکی بعد بچرم حمله مستانه بزندان رفت. فرید (۲)، که چند سال بعد جهان طب و روانشناسی را متقلب کرد و در این سال ۲۹ ساله بود، برای تحصیل طب روحی (۳) نزد شارکو (۴)، طبیب فرانسوی، بیاریس آمد. جلد دوم کتاب «سرمایه» (۵) پس از مرگ کارل مارکس در این سال انتشار یافت. ویسلر و سیکرت (۶)، نقاشان امپرسیونیست،

۱- Giotto ۲- Freud ۳- Psychiatrie ۴- Charco

۵- Das Kapital ۶- Whistler, Sickert



پران طاج علم برسانی

تابستان را با ۵۳۴ دردیب (۱) گذراندند. چیمه زانسور (۲) نقاش سوررئالیست پرده «کابوس» (۳) را ترسیم کرد. تابلوی «آب تنی» سورا نفروخته از نمایشگاهی نیویورک برگشت.  
در همین سال ویکتور هوگو در هشتاد و سه سالگی درگذشت. در وصیت نامه اش چنین نوشته بود:

«پنجاه هزار فرانک از اموال خود را به تنگدستان می بخشم. مرا در کالسکه قرا بقبرستان قرا ببرند. هیچگونه تشریفات مذهبی لازم ندارم. بعدها ایمان دارم. عده بسیاری از نقاط مختلف فرانسه برای شرکت در تدفین وی بیاریس آمدند و با شور و ازدحام کم نظیری وی را بخاک سپردند.  
دوگنگور نویسنده رئالیست، در این باره نوشت: «از این جمعیت بازی متفرم». رنوار نقاش بزرگ امپرسیونیست که هوگو را خوش نپیداشت در باره او چنین نوشت: «این کرانجان، این متظاهر، این خود فروش... من از وحشت او از «زندگی» بیزار بودم. هرگز نمیتوانست اثری بار عایت حدود طبیعی بوجود بیاورد. اگر میخواست در باره اسب چیزی بگوید، آن اسب دیگر اسب نبود، فوراً با اسب ماقبل نوح تبدیل میشد...»

یکسال بعد، یعنی در سال ۱۸۸۶، هشتمین نمایشگاه امپرسیونیستها در پاریس تشکیل شد. پیسارو که شیفته روش سورا شده بود موجب شد تا از سورا و بعضی از دوستان وی نیز برای شرکت در این نمایشگاه دعوت کنند. سورا از معروف خود «یکشنبه تابستان در گراندزات» (۴) را بنمایشگاه فرستاد. این اثر که شاید مهمترین اثر سورا است، نموداری از نظم فکری و شیوه نقاشی اوست. با اینکه آثار این جمع که خود را «دیبویزیونیست» میخواندند با اعتراض و تمسخر عمومی استقبال شد.

ا.ی.

(ناتمام)  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی